

## اطلاعات و تحقیقات از نظر اسلام (9)

احمدی میانجی، علی

در فصل اول لزوم و اهمیت تحقیقات و اطلاعات را برای حفظ رژیم جمهوری اسلامی از توطئه‌های اخلاص گران و مخالفین در به هم زدن نظم و آرامش اجتماعی و یا اقدام برای از بین بردن نظام حکومت اسلامی وی ا برای جلوگیری از تبهکاری و خلافاکاری کارمندان و مسؤولین دولتی و یا برای تحقیق در استخدام کارمندان و مسؤولین حکومتی بیان نموده و بقدر امکان مدارک موجود را در معرض دید خوانندگان ارجمند قرار دادیم تا اهل تحقیق خود ببینند و نظر بدهند، چون منظور ما از این سلسله مقالات، نه بیان حکم شرعی، بلکه ترسیمی از این مسئل در زمان پیغمبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و دیگر از منزه تاریخ است.

و در این فصل (فصل دوم) درباره مشکلات شرعی و عقلی آن سخن خواهیم گفت زیرا پرواضح است که مسؤولین تحقیقات و اطلاعات در مقام عمل و انجام وظیفه به یک سلسله از مشکلات بر می‌خورند، مثلاً مأمورین امنیتی درباره کسی سوء ظن پیدا می‌کنند و دنبال او رفته و بررسی و تحقیق می‌نمایند و سپس نتیجه آن را به ما فوق خود گزارش می‌دهند و این مستلزم مشکلات متعددی است، زیرا در این کار به نظر می‌رسد چند فعل حرام محقق شده است:

مأمور سوء ظن پیدا کرده در حالی که سوء ظن حرام است سپس به سوء ظن خود ترتیب اثر داده و تحقیق می‌نماید، این کار هم تجسس و تفتیش از کار دیگران و حرام است و بعدا گزارش کار را به مسئول خود ارائه می‌دهد و این هم در اصطلاح حدیث، سعایت و حرام می‌باشد، و گاهی هم سبب ابروریزی مؤمن می‌شود که خود این نیز حرام است. بنا بر این مأمور مربوطه در این کار، قدم به قدم با احتمال ارتکاب گناهان کبیره سر و کار دارد و ظاهر امر این است که مرتکب گناه کبیره می‌شود.

بدین جهت لازم دانستیم در این فصل، هر یک از این مشکلات را یکی پس از دیگری عنوان کرده و پس از موضوع شناسی و تبیین معنای آن، حکم مترتب بر آن را نیز با ذکر ادله روشن سازیم.

البته همانطور که گفتیم: غرض اصلی ما بیان حکم نیست بلکه فقط ادله را می‌آوریم و قضاوت و فتوی را به صاحبان نظر و اگذاری می‌کنیم.

### 1- تجسس

1 یکی از محرمات مسلم در اسلام، تجسس و تفتیش در اسرار مردم است یعنی کسی حق ندارد در امور داخلی و اسرار فردی از مسلمانان تفتیش کند.

ادله حرمت:

الف- حرمت تجسس اجماعی است یعنی همه مسلمانان آن را حرام می‌دانند.

ب- خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم در بیان حکم تجسس می‌فرماید:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا إِنَّ كَيْدَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ  
اخیه میتا فکر هتموه و اتقوا اللّٰه انّ اللّٰه توّاب رحیم

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها (ظن‌ها) اجتناب کنید، زیرا (1) - عناوینی که در آیات و روایات ذکر شده عبارتست از: «تجسس» و «اشاعه فحشاء» و «طلب عثرات مؤمنین» و «عریف و نقیب بودن».

- (2) سوره حجرات آیه 21.

بعضی از ظن‌ها گناه است، و تجسس ننمائید، و بعضی از شما غیبت بعض دیگر را رومدارد (زیرا) آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر (دینی) خود را پس از مردن بخورد، البته کراهت و نفرت دارید و پروای خدا را داشته باشید (و توبه کنید) زیرا خداوند تحقیقا بسیار توبه پذیر و مهربان است. 1.

در این آیه کریمه چند حکم اجتماعی و مهم بیان شده است:

1- ظن (گمان) بد در حق برادران دینی.

2- تجسس از احوال درونی و اسرار مردم.

3- غیبت کردن یعنی در پشت سر برادر دینی چیزی بگویند که اگر بشنود ناراحت شده و بدش بیاید.

آنچه اکنون مورد نظر می‌باشد تجسس است، قرآن کریم مؤمنان را از تجسس نهی می‌کند و نهی هم دلالت بر حرمت دارد، علاوه بر اینکه حرمت تجسس، مورد اتفاق و اجتماع است و هیچگونه خلاقی در آن نیست.

بعضی از قرآء آیه شریفه را «لا تحسسوا» و با حاء مهمله خوانده‌اند.

بین علماء در معنای تجسس و تحسس و فرق میان این دو کلمه، اختلاف است: آیا هر دو یک معنا دارد؟ یا فرقی هست و آن فرق چیست؟

اخفش می‌گوید:

این دو کلمه از جهت معنی از همدیگر دور نیستند چونکه معنای تجسس از چیز پوشیده و مستور تفتیش نموده است و تحسس، دنبال خبر رفتن است، خواه مستور باشد یا غیر مستور. 2.

ابو عبیده گفته:

که تجسس و تحسس هر دو به یک معنی هستند و هیچ فرقی، با هم ندارند 3

- (1) در تفسیر آیه مبارکه، رجوع شود به مجمع البیان ج 9 ط اسلامیه ص 137 و تبيان ط نجف ج 9 ص 350، الدر المنثور ج 92/6 تفسیر کبیر طبری ج 85/26، تفسیر فخر رازی ج 134/28، تفسیر قرطبی ج 332/16، کشاف ج 371/4، بیضاوی، مسالک الافهام کاظمی ج 415/2 و المیزان ج 352/18.

- (2) قرطبی ج 333/16 و مجمع البیان ج 137/9.

- (3) مجمع البیان ج 137/9 و کشاف. و بعضی گفته‌اند:

که تجسس، تفتیش کردن (از چیز مستور و مخفی) است و روی این جهت است که به شخص کنجکاو جاسوس می‌گویند و تحسس، در محسوسات است یعنی در چیزهای که با یکی از حواس درک می‌شود، و قول اخفش معروف است. 1.

و بعضی هم گفته‌اند که:

تجسس در شر است و تحسس در خیر.

پس غرض از آیه شریفه این است که: ظاهر حال مسلم را ملاک قرار دهید و اگر در ظاهر خوب است به همین قناعت نمائید و دنبال عیوب پنهانی مردم نروید، یعنی از عیوب برادر خود جستجو ننمائید و از اسرار مسلمان تفتیش نکنید تا احیاناً به چیزهای بد و کارهای زشت مردم که مخفی و مستور است مطلع نشوید. 2.

عبد الرحمن بن عوف می‌گوید:

شبی در مدینه با عمر بن الخطاب برای حفاظت شهر گردش می‌کردیم به خانه‌ای رسیدیم که چراغش روشن و درش بسته بود ولی صدای بلندی از خانه بگوش می‌رسید، عمر گفت: این خانه مال ربیعة بن امیه است و اینها شراب خورده‌اند و الآن هم می‌خورند، گفتیم: ما خلاف کردیم خدا فرموده است

و لا تجسسوا

و ما تجسس کردیم عمر برگشت و آنها را بحال خودشان گذاشت. 3.

این قصه بسیار معروف و بروایات گوناگون نقل شده است.

خلاصه اینکه آیه مبارکه از تجسس و تفتیش در اسرار مردم مسلمان، نهی می‌کند و صحابه و مفسرین و محدثین هم، همین معنی را فهمیده‌اند، حتی نقل شده که به ابن مسعود گفتند: آیا می‌خواهی به بینی که ولید بن عقبه شراب خورده و شراب از ریشش می‌چکد؟ گفت: ما از تجسس کردن نهی شدیم، مثل اینکه ابن مسعود این مقدار از نگاه کردن را هم تجسس (1)- قرطبی ج 333/16 و مجمع البیان ج 137/9.

(2)- طبری ج 85/26 و در المنثور ج 96/66 از ابن عباس و مجاهد و عمرو بن عوف نقل کرده است و نیز رجوع شود به تبیان ج 350/9 مجمع البیان ج 137/9، قرطبی ج 333/16، کشاف ج 372/4، المیزان ج 352/18، تفسیر فخر رازی ج 134/28 و تفسیر جلالین ص 436.

(3)- رجوع شود به قرطبی ج 333/16 و در المنثور ج 93/92/6 و تشیید المطاعن ط هندسنگی ج 798/2 ببعده که از مدارک فراوان نقل کرده است و همچنین الغدیر و تفسیر سوره حجرات تألیف حضرت آقای صدر و مجمع البیان ج 135/9 و تفسیر ابو الفتوح رازی ج 23/5 و روح المعانی ج 157/26.

و حرام می‌دانسته است.

باز در آیه دیگر می‌فرماید:

انّ الذین یحبّون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم

1.

بدرستی آنان که دوست دارند که فاحشه (کارهای بسیار زشت) در میان مؤمنین شایع شود، برا ایشان عذاب دردناکی هست.

گر چه این آیه شریفه بالخصوص و صریحاً در مورد تجسس وارد نشده است و حکم تجسس را صریحاً بیان نمی‌کند و لکن بطور کلی شایع کردن فحشا را تحریم می‌کند و تجسس و تفتیش کردن و زشتی مردم را آشکار ساختن هم از افراد این کلی می‌باشد.

در احادیث نقل شده است که مجرد آشکار کردن بدی مؤمن، داخل در این آیه است.

1- عن محمد بن الفضيل عن ابي الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام قال: قلت له: جعلت فداك الرجل من اخواني بلغني عنه الشئ الذي اكرهه فاسأله عنه فينكر ذلك و قد اخبرني قوم ثقاة؟ فقال: يا محمد كذب سمعك و بصرك عن أخيك، و ان شهد عندك خمسون و قال لك، فصدقه و كذبهم، و لا تدعنّ عليه شيئا تشينه به و تهدم به مروته، فتكون من الذين قال الله عزّ و جلّ:

«انّ الذين يحبّون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا و الآخرة»

2.

ترجمه:

محمد بن فضيل از حضرت موسى بن جعفر عليهما سلام نقل کرده که به حضور امام عليه السلام عرض کردم قربانت کردم خیری از مردی از برادران من (یعنی از شیعیان) به من رسیده است که خوش آیندم نیست، از خود او می‌پرسم منکر می‌شود، با اینکه ناقلین خبر، اشخاص موثق و مورد اعتماد می‌باشند.

حضرت فرمود: ای محمد گوش و چشمت را در مورد برادرت تکذیب کن اگر چه پنجاه نفر پیش تو گواهی داده باشند، اگر او گفت من نکرده‌ام او را تصدیق و آن پنجاه نفر را تکذیب کن، و چیزی را بر علیه او شایع نکن تا آبروی او را لکه دار ساخته و شخصیت او را (میان مردم) خراب کنی و جزء اشخاصی باشی که خدای عز و جل در (1) -سورة نور آیه/19، رجوع شود به کشاف ج 221/3، مجمع البیان ج 132/7، تفسیر قرطبی ج 206/12، تفسیر طبری ج 80/18 و نور الثقلین ج 582/3.

(2) -نور الثقلین ج 582/3 به نقل از ثواب الاعمال و روضه کافی.

حق آنها فرموده:

«انّ الذين ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا و الآخرة»

2- من قال في مؤمن ما رآته عيناه و سمعته اذناه فهو من الذين قال الله عزّ و جلّ:

«انّ الذين يحبّون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم»

1

هر کس درباره مؤمنی چیزی را بگوید که با دو چشمش دیده و با دو گوشش شنیده باشد (و بدی مسلمانی را شایع سازد) از جمله اشخاصی است که خداوند عزّ و جلّ در مورد آنها فرموده است:

انّ الذين يحبّون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم

3- من قال في مؤمن مالا رآته عيناه و لا سمعته اذناه كان من الذين قال الله عزّ و جلّ:

«انّ الذين يحبّون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم»

2

هر کس درباره مؤمنی چیزی را که ندیده و نشنیده است، بگوید از جمله افرادی خواهد بود که خداوند عز و جل در مورد آنها فرموده است:

«انّ الذین یحبّون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم»

این دو آیه شامل حال کسی است که اسرار مؤمنی را تفتیش می‌کند و قهر چیزهایی را که او می‌خواست مخفی کند، شایع می‌سازد.

آیه اول صراحتاً دلالت بر مطلب دارد و آیه دوم بطور کلی اشاعه فحشاء را تحریم می‌کند و قهراً مورد تجسس را نیز شامل می‌شود و روایات هم که آیه را تفسیر می‌نمایند مطلب را تأکید می‌کنند.

ج- قسم سوم از ادله حرمت تجسس، روایات و احادیثی است که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده و ما به ذک چند حدیث قناعت می‌نمائیم:

1- ثلاثة یعدّبون یوم القیامة... المستمع الی حدیث قوم و هم له کارهون 3

سه گروه هستند که روز قیامت معذب می‌باشند... کسی که به سخنان قومی گوش می‌کند و آنان از گوش دادن او خوششان نیامده و ناراضی هستند.

2- و لا تكونوا بحائین عمّا ما عاب عنکم فیکثر عائبکم... 4.

(1)- نور الثقلین ج 582/583/3 به نقل از کافی و امالی صدوق و وافی ج 163/1 به نقل از کافی.

(2)- نور الثقلین ج 583/3 به نقل از تفسیر قمی.

(3)- نور الثقلین ج 93/5.

(4)- بحار ج 64/78.

چیزهایی که از شما پنهان است زیاد تفتیش نکنید تا عیب جوئی نسبت به شما زیاد نگردد.

3- من استمع الی حدیث قوم و هم له کارهون یصبّ فی اذنیه الانک 1

هر کس گوش بدهد به سخنان اشخاصی که آنها به گوش دادن او راضی نیستند در (روز قیامت در) گوش او سرب (گداخته) ریخته می‌شود.

4- عورة المؤمن حرام فقال: نعم قلت: سفلیه؟ قال: لیس هو حیث تذهب انما هو اذاعة سرّه 2.

(از امام علیه السلام پرسیدند): عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: آری گفتیم: مراد شما قبل و دبر اوست؟ فرمود نه آن چنان است که تو تصور کردی، بلکه همانا مراد، افشاء اسرار او است.

یعنی مقصود حرمت نگاه کردن به جلو و عقب او نیست (گر چه آن نیز حرام است) بلکه غرض بیان حرمت افشاری سرّ او است، و مراد از عورت، اسرار مؤمن است.

در اقرب الموارد می‌گوید:

العورة، الخلل في الثغر و غيره يخاف فيه... و كل شئ يستره الانسان من اعضائه أنفة و حياء من كشفه3

عورت عبارت است از نقص در مرز کشور و غير آن که جای ترس باشد(از نفوذ دشمن و هر کمین گاه مخفی) و هر چیزی که انسان آن را می پوشاند از اعضاء بدنش برای حفظ شخصیت خود(که دیده شدن آن خلاف شخصیت او است) و شرم از باز کردن آن دارد.

این حدیث شریف افشا کردن اسرار مردم و بازگو نمودن مطالبی را که مردم نمی خواهند کسی بداند، تحریم می کند، خواه خود با تجسس کردن از اسرار مردم و با تفتیش نمودن مطلع شود و یا اسراری را که بدون تجسس، مطلع شده و یا مؤمنی او را امین اسرار خود قرار داده، افشاء نموده و به دیگران بگوید، بالأخره تجسس از اسرار مردم(که مانند نگاه کردن به عورت او حساب شده) و همچنین افشای سرّ او، مشمول این حدیث شریف است.

5- من اذاع فاحشة كان كمتديها4

(1)- نور الثقلين ج 5/93 و محجة البيضاء ج 3/376.

(2)- بحار ج 214/75 به نقل از معانی الاخبار و محجة البيضاء ج 3/777 و الوافی ج 1/263.

(3)- اقرب الموارد کلمه «عورت»

(4)- بحار ج 215/75 به نقل از محاسن برقی و قواب الاعمال و عقاب الاعمال و محجة البيضاء ج 3/377 و قصار الجمل ج 2/83.

هر کس کار زشتی را شایع کند مانند کسی است که آن عمل زشت را مرتکب شده است.

و گوش کردن به اسرار مردم و یا تفتیش نمودن، به نحو دیگر یک مرحله ای از اشاعه است.

6- اذا رأيت العبد ممتقدا لذنوب الناس ناسيا لذنوبه فاعلموا انه مکر به1

اگر فردی را دیدید، در حالی که گناهان خویش را فراموش کرده و از گناهان مردم تفقد (جستجو و تفتیش) می نماید، بدانید که مورد مکر واقع شده است.

7- ائی لم اوامر ان اشقّ عن قلوب الناس و لا اشقّ بطونهم2

من مأموریت ندارم که دل های مردم را بشکافم و مأمور نیستم که شکم مردم را پاره کنم.

یعنی من مأمور نیستم تا از عقاید و حب و بغض و نیت های مردم تفتیش و از راز های مردم تحقیق بکنم بلکه من به ظواهر حال مردم قناعت می کنم و از پنهانی های اعمال و اقوال و عقاید و نیات مردم تفتیش نمودن از حدود مأموریت من بیرون است.

8- امام صادق علیه السلام فرمودند: الجهل فی ثلاث: فی تبدل الاخوان و المنا بذة بغير بيان و التجسس عمّالا یعنی3

اما صادق علیه السلام فرمودند: جهالت (کم عقلی) در سه چیز است.

1- برادر خود را عوض کند یعنی دوستی را که دارد بدون جهت ترک نموده و بجای او با کس دیگر دوست شود، (چونکه عقل می گوید تا می توانی دوستان خود را زیاد کن و دوست موجود را از دست مده)

2- بدون بیان علت، با کسی قطع رابطه و دوستی نماید (زیرا اگر علت را بیان کند شاید طرف، رفع ناراحتی کند، یا شاید این شخص اشتباها سوظن پیدا کرده و با بیان علت رفع شبهه شود).

3- تجسس نمودن از چیزی که مورد احتیاج و غرض عقلانی او نیست.

9- امیر المؤمنین علیه السلام به مالک اشتر دستور می‌دهد: لیکن ابعده رعیتک منک و اشنوهم عندک اطلبهم لمعايب الناس، فان فی الناس عیوبا، الوالی احق من سترها، فلا تکشفن عما عاب عنک منها فائما علیک تطهیر ما ظهر لک، و الله یحکم علی ما عاب عنک فاستر العورة ما استطعت. 4.

توجه فرمائید که امیر المؤمنین علیه السلام ولی خدا و خلیفه مسلمین به والی کشور (1) - بحار ج 215/75 و قصاص الجمل ج 83/81/2.

(2) - میزان الحکمة ج 42/2 به نقل از کنز العمال.

(3) - تحف العقول ص 43 و بحار ج 23/78 به نقل از تحف العقول.

(4) - نهج البلاغة فیض عهدنامه مالک اشتر رحمة الله علیه، ص 997.

مصر دستور می‌دهد و می‌فرماید: دورترین و مبعوض‌ترین رعیت‌ها در نزد تو، آنها باشند که در عیوب مردم بیش از همه کنجکاو و پیگیری می‌نمایند، زیرا در مردم عیب‌هایی هست که ولی امر مسلمین سزاوارترین مردم است به ستر کردن و پوشانیدن آنها، پس حتما افشا نکن از چیزهایی که از تو غائب (و پنهان) است، همانا تو مکلف هستی به آنچه که ظاهر است و خدای تعالی حکم می‌کند بر آنچه که غائب و از تو پنهان است (یعنی رسیدگی به پنهانی مخصوص خدا است) و تا می‌توانی عیوب و زشتی‌های مردم را ستر کن.

10- یا معشر من اسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه فانه من تتبع عثرات المسلمین تتبع الله عثرته و من تتبع الله عثرته یفضحه 1

ای گروهی که با زبان اسلام آورده و قلبشان اسلام نیاورده، لغزشهای مسلمانان را دنبال نکنید، زیرا هر کس لغزش مسلمانان را دنبال کند خدا لغزشهای او را تعقیب می‌کند. و هر کس که خدا لغزشهای او را تعقیب نماید، او را مفتضح و بی‌آبرو می‌کند.

11- یا معشر من اسلم بلسانه و لم یخلص الایمان الی قلبه لا تدموا المسلمین ول اتتبعوا عوراتهم فان من تتبع عوراتهم، تتبع الله عورته و من تتبه الله عورته یفضحه و لوفی بیته 2

ای گروهی که فقط با زبان مسلمان شده و ایمان به قلب‌تان راه نیافته است، مسلمانان را مذمت نکنید، و عیوب مردم را دنبال نکنید (تفتیش ننمایید) زیرا هر کس که عیوب مخفی مردم را تجسس کند خدای تعالی نیز عیوب او را تعقیب کند، و هر کس که خدا عیوب او را تعقیب کند، آبروی او را می‌برد و لو اینکه در خانه خودش باشد.

12- لا تطلبوا عثرات المؤمنین فان من تتبع عثرات اخیه تتبع الله عثرته، و من تتبع الله عثرته یفضحه و لو فی جوف بیته 3.

دنبال لغزشهای مؤمنین نگردید، زیرا هر کس لغزشهای برادرش را دنبال کند خدای تعالی لغزشهای وی را دنبال می‌کند و هر کس که خدا لغزشهای او را دنبال کند او را دنبال می‌سازد و لو اینکه در خانه‌اش باشد.

13- لا تسألوا الفاجرة من فجریک فکما هان علیها الفجور یهون علیها ان ترمی الرجل البرئی (1) - میزان الحکمه ج 43/2، و نور الثقلین ج 93/5، بحار الانوار ج 214/75، کافی ج 355/2 و وافی ج 164/1.

- (2) اصول کافی ج 354/2، نور الثقلین ج 93/5، بحار ج 214/75 به نقل از مجالس مفید و عقاب الاعمال و محاسن برقی.

- (3) کافی ج 355/1، نور الثقلین ج 92/5، بحار ج 318/75، وسائل ج 595/8 به نقل از کافی و عقاب الاعمال ص 104/24.

#### المسلم 1

از زن بد کاره نپرسید چه کسی با تو فجور کرده است (زیرا) همان طوری که فجور بر او سهل شده است (مرد مسلمانی را به فجور نسبت دادن نیز بر او آسان می‌شود) پس ممکن است که به آسانی این فجور را به یک مرد مسلمان نسبت دهد.

14- اَيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ كَذِبَ الْحَدِيثِ وَ لَا تَحَسَّسُوا وَ لَا تَجَسَّسُوا. 2.

از ظن (گمان بد بردن در حق دیگران) دوری کنید، زیرا که ظن بد، دروغ‌ترین حدیث (نفس) است و تحسس و تجسس نکنید.

15- یا معشر من آمن بلسانه و لم یدخل الايمان فی قلبه لا تغتابوا الناس، و لا تتبعوا عوراتهم فإن من تتبع عورة اخیه تتبّع الله عورته، و من تتبّع الله عورته لفضحه و لو كان فی جوف بیته. 3.

16- الا شرار یتبعون مساوی الناس و یتروكون محاسنهم كما یتتبع الذباب المواضع الفاسدة 4.

انسانهای شرور دنبال (افشای) بدیهای مردم می‌گردند و خوبیهای آنان را ترک می‌کنند همچنانکه مگس دنبال جاهای فاسد می‌گردد.

17- یانوف اقبل وصیّتی: لا تكونن نقیبا و لا عشارا 5.

ای نوف و صیت مرا ببذیر: بطور حتم نقیب و عریف و عشر بیگر نباش.

احادیث در رابطه با عریف و نقیب در فصل اول گذشت و در آنجا نقل کردیم، هر چند که رسول خدا صلی الله علیه و آله خود بنیان گذار مقام عرافت و نقابت بود و لکن چون کار بسیار حساس و مهمی است، روی همین جهت از پذیرفتن مسئولیت عرافت و نقابت نهی کردند تا هر کسی که از خود اطمینان ندارد، این مسئولیت را قبول نکند.

نهی آن حضرت با اینکه خود بنیان گذار این ارگان می‌باشند، دلیل است بر اینکه این مسئولیت بسیار خطیر و پرافت است و از عهده هر کسی بر نمی‌آید و علتش هم روشن است زیرا عریف در کارهای مردم دخالت می‌کند، و اسرار آنها را به دست می‌آورد تا به خلیفه یا به رسول الله صلی الله علیه و آله برساند، قهرا کوچکترین خلاف، یا تضییع حق حکومت خواهد بود یا تضییع حقوق مردم و...

- (1) میزان الحکمة ج 42/2 به نقل از مسند احمد ج 227/3.

- (2) میزان الحکمة ج 42/2 به نقل از صحیح مسلم و تفسیر قرطبی ج 331/16 به نقل از صحیحین.

- (3) محجة البیضاء ج 376/3، در المنثور ج 92/6 از ابی داود و ابن منذر و ابن مردویه از ابی برزه و براء بن عازب نقل کرده است. و کشاف ج 372/4 و قرطبی ج 333/16 و تفسیر ابن کثیر ج 214/4.

- (4) قصار الجمل ج 337/1 به نقل از حکم شرح نهج البلاغه ج 269/20 و ج 96/1.

- (5) بحار ج 373/75 از امالی شیخ صدوق (ره).



18- من جاءنا يلتمس الفقه و القرآن و التفسير فدعوه و من جاءنا يبدي عورة قد سترها الله فنحوه.1

هر کس نزد ما بیاید برای یاد گرفتن فقه و قرآن و تفسیر پس او را راه بدهید و بپذیرید، و هر کس بیاید، و می‌خواهد عیب کسی را آشکار سازد پس او را دور سازید.

...19- فائک اتبعت عورات الناس افسدتهم اوکدت ان تفسدهم.2.

... زیرا اگر دنبال عیوب مردم باشی آنا را فاسد می‌کند یا احتمال دارد که فاسدشان کنی

...20- ان الامیر اذا ابتغى الریبة فی الناس افسدهم.3

... امیر اگر کارها و رفتار مشکوک مردم را دنبال نماید آنها را فاسد می‌کند.

21- ائی لأعرف قوما یضربون فی صدورهم حزنا یسمعه اهل النار و هم الهمّازون اللمّازون الذین یلتمسون عورات المسلمین و یهتکون ستورهم و یشیعون علیهم من الفواحش ما نسی علیهم.4.

گروهی را می‌شناسم که از شدت حزن و اندوه به سینه‌های خود می‌زنند بطوری که اهل آتش (ساکنان دوزخ) صدای آن را می‌شنوند، آنان اشخاصی بودند که اهل همز و لمز بودند (یعنی) کسانی که دنبال عیوب و اسرار مردم می‌رفتند، و ابروی مردم را می‌ریختند و کارهای بد مردم را که از یاد رفته بود فاش و آشکار می‌ساختند.

همز: بدگوئی و غیبت از مردم و عیوب آنان را گفتن.

لمز: عیب مردم را در حضورش گفتن.5.

22- در صحیحہ ابن ابی یعفر در معنای عدالت آمده است: و الدلالة علی ذلک کله ان یكون ساترا لجمع عیوبه حتّی حرم علی المسلمین تفتیش ما وراء ذلک من عثراته و عیوبه، و یجب علیهم تزکیته و اظهار عدالته فی الناس.6.

-(1) بحار ج 64/78.

-(2) قرطبی ج 333/16.

-(3) قرطبی ج 333/16.

-(4) مسالک الافهام کاظمی ج 415/2.

-(5) نهاییه ج 4 و 5 در ماده همز و لمز و لسان العرب ج 5 رجوع شود به مجمع البیان ج 537/5 ط اسلامیة و تبیان ج 406/10 ط نجف و طبری ج 189/188/30 و المیزان ج 505/20 و کشاف ج 795/4 و بیضاوی.

در معنای همز و لمز آراء مختلف است که آیا هر دو به یک معنا می‌باشند یا فرق دارند و فرق آندو در چیست؟

و لکن این اختلاف در استدلال مؤثر نیست، زیرا خود روایت لفظ را تفسیر نموده و افشاگران را مشمول حدیث کرده است.

-(6) وافی، کتاب شهادات، باب عدالت شاهد ج 149/2.

... علامت اینکه شخص عادل است این است که همه عیوب خود را ببوشاند (یعنی تجاهر به گناه نداشته باشد) تا تفتیش نمودن آنچه غیر ظاهر است (از لغزشها و عیب‌هایش) بر مسلمانان حرام شود و بر آنها واجب باشد که به پاکی او حکم کرده و عدالت او را اظهار نمایند.

23-قلت ائی تزوجت امرأه متعة فوق في نفسى ان لها زوجا،فتفتشت عن ذلك فوجدت لها زوجا قال:و لم فتفتشت؟1

(به امام صادق عليه السلام) عرض کردم من با زنی ازدواج موقت کردم، سپس حدس زدم که این زن شوهر داشته باشد، پس تفتیش کرده و دیدم که شوهر دارد. حضرت فرمود: چرا تفتیش نمودی؟

24-قلت لابی عبد الله عليه السلام: ائی تزوجت امرأة فسألت عنها فقيل فيها فقال: و أنت لم سألت ابضاً ليس عليك التفتيش2

من با زنی ازدواج نمودم، و در باره او تحقیق کردم و حرفهائی در مورد آن زن گفته شد، حضرت فرمود: تو چرا سؤال کردی، بر شما تفتیش لازم نیست.

25-اقرب ما يكون العبد الى الكفران يواخي الرجل على الدين فيحصي عليه عثراته و زلاته ليعتفه بها يوما ما3

نزدیکترین حال بندهء (خدا) به کفر این است که با کسی برادر دینی باشد و لغزشهای او را حفظ کند تا روزی با این لغزشها او را ملامت نماید.

(1)-وسائل ج 457/14.

(2)-وسامال ج 227/14.

(3)-اصول کافی ج 354/2 و وافى ج 163/162/1.

